منافع مشترک میان روسیه و عربستان کم نیستند همچنان که عوامل دور کردن این دو کشور نیز کم نیستند. تماس های اخیر میان عربستان و روسیه ، مشابه روابطی است که اکنون میان واشنگتن و تهران مشاهده می شود.

نگاه الحیات به سفر جانشین ولیعهد سعودی به روسیه؛



به گزارش اسپادانا، روزنامه الحیات چاپ لندن آورده است: منافع مشترک میان روسیه و عربستان کم نیستند همچنان که عوامل دور کردن این دو کشور نیز کم نیستند. تماس های اخیر میان عربستان و روسیه ، مشابه روابطی است که اکنون میان واشنگتن و تهران مشاهده می شود.

نویسنده با بیان این که ریاض همچنان به سیاستهای قبلی خود ادامه می دهد، درباره اهداف عربستان از نزدیک شدن به روسیه می افزاید اگر هم پیمان قدیمی عربستان یعنی آمریکا نمی تواند خواست کشورهای عربی خلیج فارس را تامین کند و نگرانیهای آنها را در قبال آینده از بین ببرد آنها جایگزینهای زیادی (به جای آمریکا) در اروپا و شرق دارند. دراین راستا باید گفت سفر فرانسوا اولاند رئیس جمهوری فرانسه به عربستان موکد آن است که درهای مشارکت کاملا باز است و هیچ کشوری نمی تواند مشارکت را در انحصار خود (منظور آمریکا) داشته باشد.

تماس های کنونی میان عربستان و روسیه هم در این چهارچوب قرار دارد چون هر دو کشور پیام های صریحی را به مخاطبانشان به ویژه ایران و آمریکا ارسال کردند.

آنچه که امروز برای مسکو مهم است داشتن روابط مستحکم با کشورهای عربی به ویژه کشورهای عربی خلیج فارس است و روس ها از اهمیت عربستان در بازارهای انرژی و کالا آگاهند. وزیر نفت عربستان هم که به همراه شاهزاده محمد بن سلمان جانشین ولیعد عربستان به مسکو سفر کرده بود اعلام کرد همکاری های میان این دو کشور در زمینه انرژی منجر به ایجاد «ائتلاف نفتی دو کشور » خواهد شد که به نفع کشورهای تولید کننده نفت و بازارهای بین المللی و ثبات این بازارها خواهد بود.

دراین راستا روس ها هم به بالا رفتن سطح همکاری های نفتی امید زیادی بسته اند به ویژه که بهای نفت کاهش یافته است و به اقتصاد کشورهای تولید کننده ضربه زده است.

توافق های اقتصادی و تجاری که دو طرف منعقد کردند می تواند در آینده منجر به سرعت گرفتن همکاریهای سیاسی شود. دراین راستا دو طرف مواضع همسوئی در مصر دارند و خواستار حمایت از نظام عبد الفتاح السیسی هستند. درعین حال میان روسیه و اردن هم روابط خوبی برقرار است و تمامی این عوامل مشترک ،به افزایش افق های تفاهمات مشترک منجرخواهد شد.

علاوه بر اینها روسیه به خوبی می داند عربستان امروز ، اکثر کشورهای عربی را هدایت می کند و ائتلاف عربی را برای حمله به یمن رهبری می کند و اینها به این معنی است که عربستان می تواند درگیریهای منطقه را مدیریت کند و قوانین بازی سیاسی و نظامی را در درگیری با سایر ابرقدرتها ترسیم کند.

مسکو برای تامین منافعش در خاورمیانه (غرب آسیا) مایل به ایجاد روابط ممتاز با ریاض است و به خاطر مجازات های

تحمیلی آمریکا و اروپا ، اکنون به دنبال افزایش دامنه منافعش دراین منطقه است.

نویسنده در ادامه به مواضع این دو کشور اشاره می کند و می افزاید اینکه برخی می گویند در مواضع این دو کشور تحولات اساسی رخ خواهد داد ساده انگارانه است.دراین راستا باید گفت روس ها با مواضع عربستان در قبال تحولات یمن مخالفت نکرده اند و منطقی هم نبوده است که در برابر عملیات « طوفان قاطعیت » ائتلاف عربی بایستند و به همین خاطر از رای دادن به قطعنامه بیست دو هزار و دویست و شانزده خودداری کردند هرچند می توانستند آن را وتو کنند.

علت این موضع گیری روسها در درجه اول به این خاطر است که آنها از دولت (فراری) منصور عبد ربه حمایت می کنند. روس ها بعد از وقوع « بهار عربی » استدلالشان این بود که تحولات داخلی کشورها ، مساله ای داخلی است و نباید کشورهای دیگر در امور آنها مداخله کنند.

علاوه بر اینها مسکو می داند که عربستان به حوثی ها به عنوان بازوی ایران می نگرد که امنیت و منافع ریاض را در منطقه تهدید می کند! به همین خاطر این انتظار را ندارد که عربستان در قبال این گروه دست روی دست بگذارد.

این موضع روسیه ، درست مشابه مواضع روسیه در قبال حیات خلوتش یعنی اوکراین است و مسکو چند روز قبل تهدید کرد اگر امنیتش به خطر بیافتد واکنش نامحدودی خواهد داشت.

نویسنده با اشاره به این که این تهدید مسکو بعد از آن صورت گرفت که ناتو برای استقرار نیرو و ادوات جنگی سنگین در مرز کشورهای حوزه بالکان و برخی از کشورهای اروپای شرقی برنامه ریزی می کند می افزاید مواضع مسکو در قبال تغییر نظام سوریه ، از همان ابتدای بحران سوریه تغییری نکرده است و نمی خواهد قضیه ای که در قبال لیبی رخ داد رخ دهد و به همین خاطر برای جلوگیری از تکرار تجربه لیبی ، در خصوص سوریه به وتو قطعنامه های شورای امنیت متوسل می شود.

با همه اینها اخیرا در مواضع پوتین در قبال بحران سوریه تغییراتی صورت گرفته است. چون با توجه به افزایش قدرت داعش و سایر گروههای تروریستی در عراق و سوریه ، روسها نگران شده اند که مبادا نظام سوریه یکدفعه سقوط کند. به همین خاطر به طور جدی علاقمند به بررسی تغییرات در هرم قدرت سوریه برآمده است به نحوی که تا حدی ساختار حکومت سوریه و باقی مانده نهادهای نظامی آن حفظ شود و از سوی دیگر منافع روسیه در کرانه دریای مدیترانه و همچنین در منطقه محفوظ بماند.

با همه اینها این دو کشور می دانند که صرف تمایل ، به تنهائی برای حل بحران های سوریه ،عراق و یمن کفایت نمی کند چون ایران دراین سه کشور بیشترین تاثیر گذاری را دارد. با همه این ها باید گفت پیام های ارسالی عربستان و روسیه به ایران و آمریکا ، ابدا به این معنی نیست که در نقش ها تغییرات ریشه ای صورت گرفته است و یا قرار است مشارکت های جدیدی به زیان مشارکت های قدیمی صورت گیرد. چون نه روس ها می خواهند دست از روابط خودشان با غرب به اندازه ای که امنیت و منافع شان تامین شود بردارند و نه می خواهند از ایران به اندازه ای که پل ارتباطی میان روس ها و همسایگان غربی و شرقی اش شود دور شوند و در مقابل ریاض هم این قصد را ندارد که به روابط تاریخی خود با آمریکائی ها پشت کند و بنابراین باید منتظر واکنش تهران و واشنگتن به پیام های عربستان و روسیه ماند.